

Cognitive skills of architects in crafting participatory narratives

Ahmad Mortazavi

Ph.D Candidate, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

Hamidreza Ansari

Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Leila Alipour

Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

The complexities inherent in the participatory design process necessitate that designers acquire a diverse range of specialized skills to engage effectively and meaningfully with their peers. These essential skills encompass not only visionary capabilities that enable designers to conceptualize innovative solutions but also a nuanced and comprehensive understanding of various architectural issues and challenges that may arise during collaboration. To gain deeper insights into these vital skills, it is imperative to explore and critically analyze existing research on participatory architecture. This exploration will involve synthesizing the main concepts, theories, and findings presented in the literature, thereby providing a clearer understanding of the competencies required for successful collaboration in architectural design. By delving into these scholarly works, designers can better equip themselves with the knowledge and skills necessary to navigate the complexities of participatory environments, ultimately enhancing their effectiveness and contributions to collective projects. This study aims to identify and categorize existing research focused on the cognitive skills required by architects in participatory contexts, define participatory architecture as it pertains to these cognitive skills, and outline the specific cognitive skills necessary for architects involved in participatory processes. Employing a qualitative review methodology, relevant studies were collected and categorized, followed by thematic analysis and coding. A keyword network was generated using VOS VIEWER software to illustrate the connections among various concepts, leading to the articulation of the cognitive requirements for architects in participatory settings. The findings reveal two primary categories of participation: engagement with fellow architects and interaction with the community, comprising six subgroups. Participatory architecture is defined as a narrative-driven dialogue among citizens aimed at generating new stories. Conceptual network analysis indicates that architects must possess a diverse array of cognitive characteristics to engage effectively in participatory processes. These characteristics include the ability to discover, interpret, and apply narrative and emotional dimensions related to key concepts such as the city, home, democracy, perception, and poverty. Architects should view the city as a complex web of cultural narratives and utilize the concept of "land" to connect with the historical and cultural roots of its inhabitants. Regarding the notion of home, architects must be sensitive to gender issues and the meanings of residential spaces while interpreting the physical impacts of residents and understanding the significance of place in informal settlements. In terms of democracy and rights, participatory architects should maintain a strong commitment to citizenship rights and equality, enabling them to resolve intergenerational conflicts and adapt to changing conditions. They must also facilitate dialogues that may be culturally or socially conflicting and decentralize established concepts. In the realm of perception, architects should grasp narratives and intertextual concepts within social contexts, connecting with the hidden layers of the social psyche while appreciating the importance of open structures and the notion of incompleteness in social arts. Finally, concerning poverty and deprivation, architects should engage in dialogues with marginalized communities and connect with narratives related to disability and the emotional needs of neglected users.

Keywords: Participatory design, cognitive skills, narrative creation, decentralization, conceptual network

فصلنامه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۷(۴۶)، ۷۲-۹۶

DOI: 10.30480/AUP.2025.5290.2139

نوع مقاله: مروری

مهارت‌های شناختی معماران در خلق روایت‌های مشارکتی*

احمد مرتضوی

پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: ahmad.mortazavi@ut.ac.ir

حمیدرضا انصاری

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

لیلا علی پور

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

پیچیدگی‌های فرایند مشارکتی باعث می‌شود که طراح برای حضور در این فرایند نیازمند کسب توانایی‌های ویژه‌ای باشد. بخشی از این توانایی‌ها مربوط به مهارت‌های بینشی نزد معماران است. جهت درک مهارت‌های بینشی می‌توان پژوهش‌های مربوط به معماری مشارکتی را مطالعه و اصلی‌ترین مفاهیم حوزه را تجزیه، تحلیل و ترکیب کرد. بر این اساس پژوهش حاضر، سه هدف را دنبال می‌کند: الف) شناسایی و دسته‌بندی پژوهش‌های مربوط به مهارت‌های شناختی یک معمار در فرایند مشارکتی. ب) ارائه تعریف معماری مشارکتی معطوف به مهارت‌های شناختی مورد نیاز معماران. ج) مهارت‌های شناختی مورد نیاز برای معماران در فرایند مشارکت. در نتیجه این پژوهش مطالعه‌ای مروری است که براساس روش سنتزپژوهی کیفی و کدگذاری مضامین محتوایی حاصل شده است. همچنین با استفاده از نرم‌افزار VOS VIEWER شبکه کلیدواژه‌ها استخراج و براساس تحلیل آن‌ها الزامات شناختی بیان شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دو گروه کلی مشارکت با معماران و مردم و شش زیرگروه قابل تفکیک هستند. براساس تعریف ارائه شده، مشارکت گفت‌وگویی روایی و مرکزگریز میان شهروندی برای خلق داستان‌های جدید است. همچنین معمار مشارکتی باید دارای توانایی ساخت و بازخوانی داستان‌هایی درزمینه مفاهیم شهر، مسکن، دموکراسی، ادراک و فقر باشد که بر رویکردهای انتقادی و مرکزگریز تمرکز داشته باشند. او باید نسبت به ورود به فرایندی تفسیری و چندسویه آگاه بوده و قادر به شناخت اجزای روایت و تفسیر آن باشد.

کلیدواژه‌ها: طراحی مشارکتی، مهارت‌های شناختی، روایت سازی، مرکزگریزی، شبکه مفهومی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری احمد مرتضوی با عنوان «آموزش طراحی معماری با رویکرد معنای زندگی کاربران» است که به راهنمایی دکتر حمیدرضا انصاری و دکتر لیلا علیپور در دانشگاه تهران، در حال انجام است.

مقدمه

در طول تاریخ معماری معاصر، روش‌های گوناگونی از طراحی به کار گرفته شده‌اند. نسل اول روش‌های طراحی بر پایه الگوهای منطقی تدوین شده بودند که همگام با خردباوری همه جانبه دوران مدرن بود (لاوسون، ۱۳۹۳). الگوهای صریح و کم ابهامی که در آن‌ها طراح در مرکز فرایند قرار داشت. اما به تدریج نسل‌های دیگری از روش‌های طراحی مانند روش طراحی مشارکتی پدیدار شدند. روش‌هایی که به دلیل مشارکت «دیگری» عموماً مبهم و پر چالش محسوب می‌شوند. در چنین وضعیتی، معماری که بخواهد وارد این فرایند شود، با انبوهی از ندانسته‌ها و مهارت‌های نیاموخته مواجه است. یکی از این مهارت‌ها، مهارت‌های شناختی است. مهارت‌های شناختی به توانایی‌های ذهنی اشاره دارند که در فرایندهای تفکر، یادگیری، حل مسئله و تصمیم‌گیری نقش دارند (Anderson, 2005).

یافتن مهارت‌های شناختی در زمینه معماری مشارکتی کار پیچیده‌ای است. زیرا گستره وسیعی از تعاریف و تفسیرها وجود دارد که می‌تواند منجر به سردرگمی شود. در وهله اول، مشارکت در دو معنا خود را نشان می‌دهد. اولین معنا مربوط به مشارکت معمار با مردم و دومین مورد مربوط به مشارکت متخصصین با یکدیگر است. مثلاً سندرز تمام تعاریف این سویه از مشارکت را ذیل مفهوم «طراحی با کاربران» طرح می‌کند (Sanders & Brandt, 2010). در همین زمینه او بحث طراحی تجربه را نیز به معنای الهام از تجربیات زیسته کاربر مطرح می‌کند (Sanders & Stappers, 2008). برخی پژوهشگران زمینه‌های تاریخی و فرهنگی یا اقتصادی شکل‌گیری مشارکت را بیان کرده‌اند. میاک-پیکیا (۲۰۲۱) شکل‌گیری نگاه طراحی با کاربر، به جای طراحی برای کاربر را متأثر از نقش تاریخی اقتصاددانان خانگی و تلاش‌های آن‌ها جهت سپردن بهره‌برداری از فضا به دست خود کاربران می‌داند. پژوهشگر دیگری نیز در تعریف فرایند مشارکت، با استفاده از نظریه شفافیت فرهنگی و نگر، مشارکت را به مثابه تلاشی جهت رمزگشایی و دوباره رمزگذاری عنوان کرده است (Sabiescu & Memarovic, 2013). همچنین برخی نیز مسئله را از دیدگاه انتقادی و سیاسی دنبال کرده‌اند. ریچل لوک (2018) مفاهیم اصلی و ویژگی‌های اساسی طراحی مشارکتی را شامل موارد تعدیل قدرت روابط، اقدامات مبتنی بر موقعیت، یادگیری متقابل، ابزارها و تکنیک‌ها عنوان کرده است.

معنای دوم، مشارکت همراه با سایر متخصصین است. اندرو پرسمن مشارکت میان معماران و سایر متخصصین را به عنوان یک مدل هم‌افزا و غیرمصالحه‌گر مطرح می‌کند (Pressman, 2014). این دو واژه (هم‌افزایی و غیر مصالحه‌گری) به معنی تحمل‌پذیری معماران و در عین حال غیر منفعل بودن آن‌ها است. از نظر او، معماری با مشارکت متخصصین نباید شبیه به نوعی مصالحه انفعالی شود. بلکه باید آنتی‌تری در جهت هم‌افزایی باشد. در نقطه مقابل این دیدگاه، لعل بخش و قبادیان (۱۴۰۰) به اهمیت تربیت صحیح نسلی که صلح‌جو بوده، تحمل‌پذیری بالایی داشته و آگاه باشد، به کرات اشاره کرده است. او نگاه کل‌نگر گشتالته را که در آن مجموعه چیزی بیشتر از جمع جبری اجزاست، مبنای طراحی مشارکتی دانسته و ریشه‌های طراحی مشارکتی را با مفاهیمی چون هرمنوتیک و ساختارگرایی اجتماعی مرتبط دانسته است. در همین زمینه برخی پژوهشگران موضوع را از دریچه‌ای کاملاً انتقادی دیده‌اند. آن‌ها فرایندهای مشارکتی در معماری را ابزارهایی برای دگرگونی اجتماعی در مواجهه با ساختارهای مردسالار و استعماری دانسته‌اند (Carrera & Grajalas, 2022). پژوهشگران دیگر به ارزش اصلی فرایندهای مشارکتی به عنوان فرایندی با اهداف جامع‌تر از زیبایی‌شناسی اشاره کرده‌اند. ارزش طراحی مشترک در این زمینه بیشتر در ارزش‌ها و مکالمات ایجاد شده نهفته است تا زیبایی‌شناسی محصول نهایی. از نظر آن‌ها فرایند طراحی مشترک فرصتی را برای ظهور گفت‌وگوهای جدید و شکل‌گیری روابط ایجاد می‌کند (Combrinck & Porter, 2021).

هدف اصلی این پژوهش نشان دادن مهارت‌های شناختی است که معماران باید در فرایندهای مشارکتی داشته باشند. در این پژوهش مقالاتی که با عطف به موضوع مهارت‌های شناختی معماران وجود دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس با طبقه‌بندی، تحلیل و نقد آن‌ها، مقوله‌های اساسی استخراج و تعریفی جدید از موضوع ارائه می‌شود. همچنین به کمک نرم‌افزار VOS VIEWER شبکه کلیدواژه‌های مقالات مربوطه استخراج می‌شوند تا نقشه اصلی‌ترین مفاهیم موجود به دست آید. تجزیه و تحلیل شبکه‌های این نقشه نشان می‌دهد که معماران نیازمند چه مهارت‌های شناختی در فرایند مشارکتی هستند. بنابراین سؤالات اصلی به شرح زیر خواهند بود:

۱. پژوهش‌های معطوف به توانایی‌های شناختی معماران در فرایندهای مشارکتی چگونه دسته‌بندی و مقایسه می‌شوند؟
۲. اصلی‌ترین مفاهیم و مقولات معماری مشارکتی در هر گروه چه مواردی بوده و براساس آن چه تعریف جدیدی از معماری مشارکتی می‌توان ارائه داد؟
۳. مهارت‌های شناختی مورد نیاز معماران براساس شبکه مفهومی موضوع شامل چه مواردی است؟

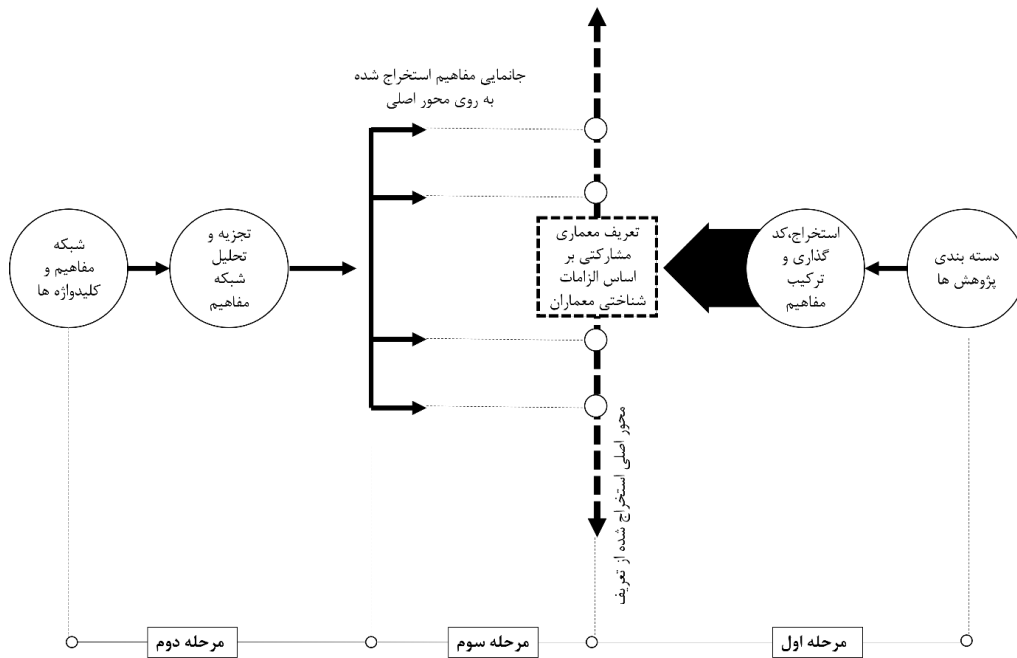
چارچوب نظری

همان‌طور که عنوان شد، مشارکت مفهوم پدیده‌ای است که در معانی متنوعی برای طراحی و معماری به کار رفته است. لاسون (۱۳۹۳) هر معمار را متعلق به دو جامعه (جامعه حرفه‌ای و اجتماع) می‌داند. معمار می‌تواند با هر دو جامعه مشارکت کند: اول با سایر متخصصین و دوم با ذی‌نفعان.

در این پژوهش نیز در مرحله اول، معنای مشارکت از همین دو جنبه در میان مقالات مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با ترکیب یافته‌ها، اصلی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی و مقولات موجود در آن‌ها کشف شود. این مقولات سازنده تعریف منحصر به فردی از مشارکت برای این پژوهش خواهند بود.

در مرحله دوم، با کنکاش در شبکه کلیدواژه‌های مقالات، شبکه مفهومی موجود در مقالات استخراج می‌شود. اجزا و زیرمجموعه‌های این شبکه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند تا مفاهیم اصلی به دست بیایند. در مرحله سوم، مفاهیم به دست آمده و تعریف موجود در مراحل قبلی، با یکدیگر تطبیق داده می‌شوند تا نتیجه نهایی حاصل شود. این نتیجه نشان خواهد داد که مهم‌ترین مهارت‌های شناختی مورد نیاز برای یک معمار مشارکتی چه مواردی هستند.

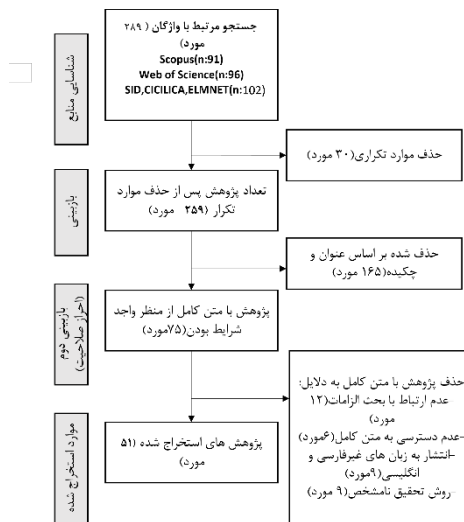
شکل (۱)، چارچوب مفهومی و مسیر حرکت پژوهش را در مراحل اول، دوم و سوم نشان می‌دهد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی و مسیر حرکت پژوهش

روش تحقیق: گردآوری و تحلیل داده‌ها

این پژوهش یک مطالعه مروری بوده و براساس روش سنتزپژوهی کیفی انجام شده است. به منظور بررسی پیشینه پژوهش و جمع‌آوری داده‌های متناسب با هدف اصلی، اسناد مکتوب شامل مقالات، کتاب‌ها و رساله‌های موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفتند. به همین منظور کلیدواژه‌های معماری مشارکتی، معماری گروهی، معماری جمعی، معماری کاربرمحور در وبسایت‌های داخلی SID، سیویلیکا و علم‌نت و واژگان Participatory Design (architecture, Co-design, Collaborative Community Design (architecture)، در موتورهای جست‌وجوی Google-Scholar و پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus و Web of science براساس قرارگیری در عنوان یا چکیده و ثبت شدن در زمینه رشته معماری جست‌وجو شده و ۲۸۹ مقاله مدنظر قرار گرفتند. پس از این مرحله ابتدا موارد تکراری حذف شده و سپس در بازبینی اول، مواردی براساس عنوان و چکیده، انتخاب شدند (۷۵ مورد). در بازبینی دوم بازبینی مقالات، براساس معیارهای مشخص^۱ و براساس مطالعه کامل متن، ۵۱ مقاله (داخلی: ۲۵ و خارجی: ۲۶) که با موضوع تحقیق (الزامات نگاه معماران در تفکر طراحی مشارکتی) همخوانی داشتند، انتخاب شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. در این بازبینی معیارهای ورود پژوهش‌های انجام شده، متناسب بودن یافته و نتایج مطالعات انجام شده‌ها با اهداف پژوهش حاضر، قرار داشتن در بازه زمانی ۱۰ ساله اخیر (از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ و از ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴) و انتشار به زبان‌های فارسی و انگلیسی بود. پس از انجام این مرحله، مطالعات انتخاب شده در بخش یافته‌ها و نتایج به تفکیک مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت. شکل (۲) فرایند انتخاب مقالات را نشان داده است.



شکل ۲. فرایند انتخاب و وارد شدن مطالعات انجام شده به پژوهش

سپس مقالات منتخب به شکل محتوایی دسته‌بندی شده و در دسته‌های موضوعی قرار گرفتند تا مشخص شود که هر مقاله در چه زمینه‌هایی طرح شده است. در مرحله بعد، نتایج به شکل آماری مورد بررسی قرار گرفته و سهم مقالات در زمینه مشارکت مردم و مقالات در زمینه مشارکت متخصصین در هرکدام از حوزه‌های موضوعی بررسی شد.

مرحله بعد، کدگذاری مفاهیم موجود در حوزه‌های موضوعی به سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود. کدگذاری در شیوه تحقیق کیفی فرایندی است که در آن داده‌های متنی یا تصویری به قطعات کوچک‌تر تقسیم و برجسب‌گذاری می‌شوند تا تحلیل و تفسیر آن‌ها آسان‌تر شود. این فرایند به محققان کمک می‌کند تا الگوها، مفاهیم و موضوعات موجود در داده‌ها را شناسایی کرده و به درک عمیق‌تری از پدیده مورد مطالعه برسند (Strauss & Corbin, 1998). یافتن ارتباطات میان این کدها جهت ساخت کدهای انتخابی بود که تعریفی جدید از موضوع به دست می‌دهند.

در مرحله بعد، مقالات با استفاده از شیوه هم‌رخدادی واژگانی و نرم‌افزار VOSVIEWER تحلیل شدند. هم‌رخدادی در کلیدواژه‌ها به پدیده‌ای اشاره دارد که در آن دو یا چند کلیدواژه به‌طور هم‌زمان در یک متن، سند، یا مجموعه داده ظاهر می‌شوند. این مفهوم در تحلیل داده‌های متنی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود تا نشان دهد چگونه مفاهیم مختلف با یکدیگر مرتبط بوده و در چه زمینه‌هایی به کار رفته‌اند (Zhao & Strotmann, 2015). در نهایت شبکه‌های به دست آمده تحلیل شدند و الزامات مربوط به الزامات شناختی معماران استخراج شدند.

یافته‌ها

دسته‌بندی گروه‌ها و زیرگروه‌ها

تحلیل موضوعی مقالات بررسی شده نشان داد که می‌توان آن‌ها را از حیث مشارکت با مردم یا مشارکت متخصصین در دو دسته و از منظر حوزه تمرکز در شش گروه مطالعاتی دسته‌بندی کرد. این گروه‌ها شامل (۱) تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت، (۲) مطالعه موردی و تجربیات عملی، (۳) آموزش شیوه‌های مشارکت با متخصصین و مردم، (۴) ابزارها و تکنولوژی‌ها (۵) معیارهای فرهنگی و زمینه‌ای و (۶) مفاهیم انتقادی (۷) هستند.

هرکدام از این گروه‌ها، موضوعات متنوعی را پوشش می‌دهند و در نتیجه شامل زیرگروه‌های خاص خود می‌شوند. جدول (۱) نشان می‌دهد که مقالات بررسی شده در چه گروه و زیرگروهی قرار دارند.

جدول ۱. دسته‌بندی گروه‌ها و زیرگروه‌های مقالات

مفاهیم انتقادی	تقدیر میان فرهنگی و بسا استعماری	مباحثات اقتصادی - فرهنگی	مباحثات اخلاقی (ارزش‌های مشارکت)	مباحثات فرهنگی و زمینه‌ای	تأثیرات محیطی و جنس‌افزایی	کازگاه‌های مشارکتی	پلتفرم‌های مشارکت دیجیتال	مدل‌سازی و تجسم دیجیتال	آموزش مشارکت با مردم	آموزش مشارکت با متخصصین	توسعه برنامه‌های آموزشی دانشگاه	نمونه‌های موردی و تجربیات عملی	نمونه‌های موردی و تجربیات عملی	تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت	نوع مشارکت	
															مردم	متخصصین
						*									*	مرتضوی و همکاران (۱۴۰۳)
															*	عزیزی و بیرکار (۱۴۰۲)
														*	*	بیتی و همکاران (۱۴۰۲)
	*													*	*	اسماعیل زاده و سلیمانی (۱۴۰۲)
									*	*	*			*	*	مینازار و همکاران (۱۴۰۲)
	*								*	*	*			*	*	مجیدی و همکاران (۱۴۰۰)
			*						*	*	*			*	*	لملیخس و قبادیان (۱۴۰۰)
				*					*	*	*			*	*	گلستانی و همکاران (۱۳۹۹)
									*	*	*			*	*	سلیمانی الموتی و همکاران (۱۳۹۹)
	*								*	*	*			*	*	به نیا و همکاران (۱۳۹۹)
				*					*	*	*			*	*	نوروزی و جوانفرورزنده (۱۳۹۸)
				*					*	*	*			*	*	طلایی و کاتب (۱۳۹۹)
									*	*	*			*	*	قره بگلو و همکاران (۱۳۹۷)
									*	*	*			*	*	دیناروند و همکاران (۱۳۹۶)
									*	*	*			*	*	ثقفی و همکاران (۱۳۹۴)
	*		*	*					*	*	*			*	*	کامل نیا و اسلامی (۱۳۹۳)
				*					*	*	*			*	*	حبیبی و فروغی مهر (۱۳۹۲)
									*	*	*			*	*	شهاب زاده (۱۳۹۴)
					*				*	*	*			*	*	منصوری و فروغی (۱۳۹۷)
			*						*	*	*			*	*	پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)
			*						*	*	*			*	*	شرفی و برگ‌پور (۱۳۸۹)
			*						*	*	*			*	*	علی‌الحسابی و یوسف زمانی (۱۳۸۹)
									*	*	*			*	*	مظفر و همکاران (۱۳۸۸)

مقالات فارسی

مفاهیم انتقادی	حوزه تمرکز مقالات										نوع مشارکت					
	نقد میان فرهنگی و بسا استعماری	جوامع به حاشیه رانده شده	قدرت اخلاق (ارزش‌های مشارکت)	ملاحظات اقتصادی - فرهنگی	هویت ساکنین	تأثیرات محیطی و جغرافیایی	کارگاه‌های مشارکتی	بناغرم‌های مشارکت دیجیتال	محل‌سازی و تجسم دیجیتال	آموزش مشارکت با مردم	آموزش مشارکت با متخصصین	توسعه برنامه‌های آموزشی دانشگاه	نمونه‌های موردی و تجربیات عملی	تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت	مردم	متخصصین
														*		Vasarainen et al. (2024)
*							*					*		*	*	Soikkeli et al. (2023)
	*						*					*		*	*	Mariotti et al. (2023)
											*	*		*	*	McGillivray et al. (2023)
*	*	*	*	*											*	Carrera & Grajales (2022)
*			*	*										*	*	Denicke-Polche et al. (2022)
											*	*	*	*	*	Combrinck & Porter (2021)
											*	*	*	*	*	Myjak-Pycia (2021)
											*	*	*	*	*	Alipour (2021)
*		*	*	*							*	*	*	*	*	Rodgers et al. (2020)
											*	*	*	*	*	Sara & Jones (2018)
*	*										*	*	*	*	*	Luck (2018)
*			*	*							*	*	*	*	*	Melcher (2016)
									*					*	*	Berkovich & Chiles(2016)
			*	*					*			*	*	*	*	Sterli & Widrich(2015)
									*		*	*	*	*	*	Menzel et al. (2014)
*	*	*	*	*					*		*	*	*	*	*	Kaminer (2014)
			*	*					*		*	*	*	*	*	Steen (2013)
*			*	*					*		*	*	*	*	*	Sabiescu & Memarovic (2013)
									*		*	*	*	*	*	Ortiz (2013)
									*		*	*	*	*	*	Akincitürk, Erbil & Yucel (2011)
									*		*	*	*	*	*	Sanders & Brandt (2010)
*	*	*	*	*					*		*	*	*	*	*	Pelander et al. (2010)
*			*	*					*		*	*	*	*	*	Sanders & Stappers (2008)
*	*	*	*	*					*		*	*	*	*	*	Julier (2006)

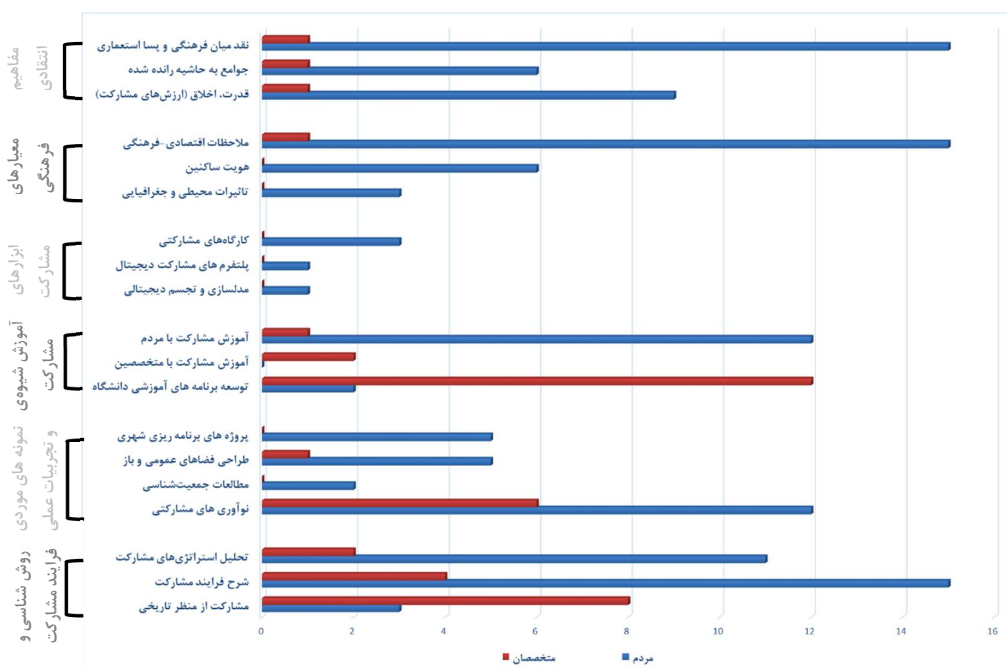
مقالات انگلیسی

شکل (۳) نشان می‌دهد که مقالاتی مربوط به مشارکت با مردم، سهم پررنگ‌تری در حوزه مشارکت داشته‌اند. با بررسی فراوانی تمرکز مقالات در شش حوزه اصلی مشارکت نتایج زیر به دست آمد:

حوزه اول یعنی تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت، بیشترین تعداد مقالات را به خود اختصاص داده است. همچنین لازم به ذکر است تأکید پژوهش‌هایی که در این حوزه کار کرده‌اند معطوف بر مشارکت با مردم

بوده است. بیشتر این مقالات بر تحلیل فرایند و استراتژی‌های مشارکت تأکید کرده‌اند. با این وجود در این حوزه، مشارکت از منظر تاریخی سهم بیشتری در پژوهش‌های مشارکت میان متخصصان را داشته است. درحوزه دوم، یعنی نمونه‌های موردی و تجربیات عملی نیز، مقالات مشارکت با مردم سهم پررنگی‌تر داشته‌اند. بیشترین تمرکز در این حوزه مرتبط با نوآوری‌های مشارکتی و راه و روش‌های جدید به منظور ارتقای مشارکت با مردم می‌شود.

برخلاف حوزه‌های اول و دوم، درحوزه سوم یعنی آموزش شیوه‌های مشارکت، مقالات مشارکت با متخصصان نقش پررنگ‌تری ایفا کردند. در این حوزه، بیشتر مقالات بر آموزش متخصصان و یا طراحی و توسعه برنامه‌های دانشگاهی تمرکز دارند. حوزه چهارم، یعنی ابزارهای مشارکت، کمترین تعداد مقالات را به خود اختصاص داده‌است. سهم پررنگ پژوهش‌های مرتبط با مشارکت مردمی در هر سه شاخه این حوزه یعنی مدل‌سازی و تجسم دیجیتال، پلتفرم‌های دیجیتال و کارگاه‌های مشارکتی دیده می‌شود. درحوزه پنجم یعنی معیارهای فرهنگی نیز تعداد بیشتری از مقالات معطوف بر مشارکت با مردم بودند. در این حوزه، ملاحظات اقتصادی و فرهنگی بیشترین تعداد مقاله را به خود اختصاص داده‌اند. درحوزه ششم یعنی مفاهیم انتقادی نیز، تعداد پژوهش‌های مشارکت با مردم بیشتر بوده است. مقالاتی که بر حوزه ششم تمرکز کرده‌اند بیشتر بر نقد میان فرهنگی و پسا استعماری معطوف بوده‌اند.



شکل ۳. فراوانی مقالات در هر حوزه

کدگذاری مفاهیم موجود در گروه‌ها

در این بخش، مفاهیم موجود در هر گروه به سه شکل باز، محوری و انتخابی، کدگذاری شدند تا با اتصال کدهای انتخابی به دست آمده، تعریف دیگری از مسئله مشارکت به دست بیاید.

مفاهیم انتقادی

کدهای به دست آمده از این دسته از مقالات، به دنبال به چالش کشیدن روابط مرسوم و سلسله مراتبی میان

طراح-کاربر و یا استاد-شاگرد بودند. این موضوع به معنای لزوم تفکری چندسویه، سیاسی و انتقادی است که در آن عناصر حاشیه‌ای همچون کاربر یا شاگرد به گفت‌وگویی برابر دعوت می‌شوند. در این نگاه، معماری مشارکتی یک فرایند پیچیده و چندبعدی است که در آن تفکر انتقادی، درک تفسیری، توجه به ارزش‌های اخلاقی و بصری، و تلاش برای حفظ آزادی و خلاقیت در برابر تهدیدهای موجود با هم ترکیب می‌شوند (جدول ۲). مثلاً برخی پژوهشگران موضوع را از دریچه‌ای کاملاً انتقادی دیده‌اند. آن‌ها فرایندهای مشارکتی در معماری را ابزارهایی برای دگرگونی اجتماعی در مواجهه با ساختارهای مردسالار و استعماری دانسته‌اند (Carrera & Grajales, 2022). پژوهشگران دیگر به ارزش اصلی فرایندهای مشارکتی به‌عنوان فرایندی با اهداف جامع‌تر از زیبایی‌شناسی اشاره کرده‌اند. ارزش طراحی مشترک در این زمینه بیشتر در ارزش‌ها و مکالمات ایجاد شده نهفته است تا زیبایی‌شناسی محصول نهایی. از نظر آن‌ها فرایند طراحی مشترک فرصتی را برای ظهور گفت‌وگوهای جدید و شکل‌گیری روابط ایجاد می‌کند (Combrinck & Porter, 2021).

جدول ۲. کدگذاری زیرگروه مفاهیم انتقادی

مفاهیم انتقادی			
هژمونی قوای باصره	تفکر انتقادی در طراحی	دمکراتیزه کردن فرایند	رویکرد هرمنوتیک
مهم‌ترین کدهای باز	حفظ ارزش‌های اخلاقی	گفتگوی برابر	تهدید خیال و واقعیت
پرسشگری	چارچوب‌های اجتماعی	تضاد با زیبایی‌شناسی رایج	آزادی و اسارت
کدهای محوری	تفکر انتقادی-بصری در چارچوب اخلاق و آزادی	هرمنوتیک دموکراتیک در تقابل قدرت و خیال	
کد انتخابی	تفسیری انتقادی با هدف تعالی‌بصری-اخلاقی در تقابل با تهدید آزادی و خیال انسان		
توضیح	معماری مشارکتی بلوغ تفکری بصری، هرمنوتیک و انتقادی در جهت حفظ ارزش‌های اخلاقی و آزادی‌های در حال از دست رفتن است که به کمک خیال و آرمان تقویت می‌شود.		

معیارهای فرهنگی

کدهای این دسته با تأکید بر روایت‌بودگی این جریان، ناظر به مفهومی مهم از سازوکارهای درون معماری مشارکتی هستند. این مفهوم رمزگشایی عناصر فرمی و غیر فرمی در وهله اول و سپس رمزگذاری دوباره آن‌ها است. این همان جریانی است که به تعبیر الکساندر مدت‌ها است از فرایندهای ساخت‌وساز حذف شده است. چنین جریانی هر بار منحصر به فرد و براساس ریشه‌های عمیق فرهنگی هر سرزمین و مردمان آن روی می‌دهد و سازنده فضایی است که با مفهوم رویداد آمیخته است (جدول ۳).

به‌عنوان مثال ملچر (۲۰۱۶) موضوع زیبایی‌شناسی را به مفهوم مشارکت میان فرهنگی مرتبط کرده است و آن را تحت عنوان صداهای بسیار اما متحد در یک پروژه معرفی کرده است. ملچر با نگاهی انتقادی، این سؤال را طرح می‌کند که آیا زیبایی مدنظر معماران اولویتی نسبت به ترجیحات زیبایی‌شناسانه سنتی ذی‌نفعان پروژه دارد؟ همچنین پژوهشگر دیگری با بیان اینکه ارتباط مردم مائوری با زمین در نیوزلند به دلیل استعمار، شهرنشینی و عوامل دیگر ضعیف شده است، برنامه‌ای آموزشی مبتنی بر طراحی مشارکتی را طرح می‌کند. او می‌گوید به‌طور خاص، جوانان مائوری در دنیای تکنولوژیک پیشرو خود، به قطع ارتباط با فرهنگ و سرزمین خود روی آورده‌اند و تنها راه جلوگیری از اضمحلال این فرهنگ محلی استفاده از شیوه‌های تحقیقات مبتنی بر مشارکت جوامع است (Rodgers et al., 2020).

جدول ۳. کدگذاری زیرگروه معیارهای فرهنگی

معیارهای فرهنگی			
روایت‌بودگی	رمزگذاری و رمزگشایی	تضادهای میان فرهنگ‌ها	تنوع فرهنگی
مهم‌ترین کدهای باز	خوانش‌های قومی	فرهنگ بصری خاموش	فرایندهای یکنای فرهنگی
	ریشه‌های بومی	رویداد اجتماعی	تضاد با زیباشناسی تحمیلی
کدهای محوری	پویایی‌های روایی چندلایه در رویدادهای فرهنگی-قومی		
کد انتخابی	رویدادی روایت‌محور برای تعریف فرهنگی خود و دیگری: دیالکتیک بومی‌گرایی و تعاملات بین فرهنگی		
توضیح	معماری مشارکتی پدیدار و رویدادی فرهنگی در مقیاس‌های کلان تا خرد است که باید مانند یک رمزگان روایی به آن نگاه کرد.		

ابزارهای مشارکت

کدهای این دسته نشان می‌دهند که ابزارهای مشارکت در معماری نه تنها وسایلی برای طراحی، بلکه عناصری کلیدی در شکل‌گیری یک اکوسیستم پیچیده و پویا هستند. در این اکوسیستم، معماری به عنوان یک زبان عمل می‌کند که از طریق آن، افراد مختلف می‌توانند درباره فضا، تجربیات و نیازهایشان گفت‌وگو کنند (جدول ۴).

جدول ۴. کدگذاری زیرگروه ابزارهای مشارکت

ابزارهای مشارکت			
فضای هیبریدی	خلق چرخه تفسیر	نقشه‌های ذهنی مشارکتی	استفاده از هنرهای بصری
مهم‌ترین کدهای باز	کورئوگرافی فضایی	هرمنوتیک فضایی	مدل‌سازی تعاملی
	زبان مشترک فضایی	-	واقعیت مجازی و افزوده
کدهای محوری	ابزار شکل‌دهی به گفتمان فضایی چندوجهی		
کد انتخابی	معماری مشارکتی، واسطه گفتمان فضایی-اجتماعی و ابزار تولید داستان‌های تجربی، ترکیبی شده		
توضیح	هم‌گرایی ابزارهای دیجیتال با رویکردهای هنری و تجربی مبتنی بر تعامل انسان‌ها که امکان تفسیر و بازتفسیر مداوم فضا را فراهم می‌کند و به خلق «فضاهای هیبریدی» منجر می‌شوند.		

آموزش مشارکت

کدهای این دسته نشان می‌دهند که رویکرد به آموزش معماری مشارکتی به دنبال ایجاد فضایی است که در آن دانشجویان نه تنها دانش فنی، بلکه مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی لازم برای طراحی مشارکتی را کسب می‌کنند. این رویکرد آن‌ها را برای ایفای نقش به عنوان میانجیان بین جوامع، فرهنگ‌ها و ایده‌های مختلف در فرایند طراحی آماده می‌کند (جدول ۵).

مثلاً در پژوهشی در همین باب، اورتیز (2013) نقش مدرس در چنین آموزشی را به مثابه میانجی و واسطه‌ای می‌داند که میان دانشجویان و جامعه هدف ارتباط برقرار می‌کند اما گذاره‌ای تحمیلی را وارد فرایند مشاهده و یادگیری نمی‌کند. مشاهده مستقیم دانشجویان، نزدیک به رویکردهای پدیدارشناسانه در آموزش است. برخی دیگر از پژوهشگران طراحی مشارکتی را شیوه‌ای جهت بروز خلاقیت قلمداد کرده‌اند که در نتیجه آن اتصالی قوی میان تحقیق و تخیل جمعی برقرار می‌شود (Steen, 2013). در پژوهش دیگری که به روش‌های عملی درباره چگونگی مشارکت می‌پردازد، برکوویچ و چیلز (2016)، جهت ایجاد ارتباط مؤثرتر و تغییر روابط مؤثر بر قدرت و ساخت و توسعه بدنه دانشی ابزاری را در قالب یک بازی ارائه داده‌اند. نتایج نشان داد که این بازی

می‌تواند در ایجاد فضای غیر رسمی، افزایش انگیزه و مشارکت و انعطاف‌پذیری و تبدیل روابط سنتی معلم-دانشجو به روابطی پویا و دوطرفه کمک کند.

جدول ۵. کدگذاری زیرگروه آموزش مشارکت

آموزش مشارکت			
آموزش دانش چندفرهنگی	رویکرد همیارانه در تدریس	فهم واقعیت اجتماعی	مهم‌ترین کدهای باز
اجتناب از تجزیه‌نگری	تمرکززدایی از موقعیت مدرس	درک پدیدارشناسانه جهان	
آموزش طراحی تجربه محور	آموزش معادل گفت‌وگوی خلاقانه	حل شکاف ذهنی مخاطب و طراح	
رشد تفکر چندسویه	دانشجویان در نقش رهبر	دربست‌های عاطفی و فکری مدرس	
اتصال با پژوهش مردم‌شناسی	بازی	-	
پداگوزی چندبعدی و فرهنگ محور	بازی محوری و گفت‌وگوی غیرسلسله‌مراتبی	درک همدلانه از واقعیت اجتماعی	کدهای محوری
آموزش به مثابه گفت‌وگو: رویکردی همیارانه و پدیدارشناسانه برای پرورش طراحان میانجی			کد انتخابی
معماری مشارکتی مستلزم نگاهی غیر خودمحورانه، منعطف، میانجی‌نگرانه و همیارانه اما درعین حال غیر منفعل در آموزش و عمل است			توضیح

بررسی‌های موردی و تجربیات عملی

کدهای این دسته نشان می‌دهند که مشارکت در تمام جنبه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار شهری عمل کند. این مفهوم، ارتباط بین بهبود کیفیت زندگی، تغییرات اجتماعی-جمعیتی، و نوآوری در حل مسائل شهری را از طریق مشارکت نشان می‌دهد (جدول ۶).

مثلاً نتایج مطالعه‌ای نشان می‌دهد که مشارکت می‌تواند منجر به شکل‌گیری سطح بالایی از تنوع فرهنگی در میان پناهجویان و بومیان شود. این مطالعه در منطقه‌ای انجام شد که از کمبود جمعیت رنج می‌برد و درحالی‌که هم‌زمان ورود پناهجویان را تجربه می‌کرد، تلاقی این تحولات متضاد بستر مناسبی جهت انجام طراحی مشارکتی بود (Denicke-Polcher et al., 2022).

جدول ۶. کدگذاری زیرگروه نمونه‌های موردی

نمونه‌های موردی و تجربیات عملی			
مسکن اجتماعی	بهبود حمل‌ونقل عمومی	تنوع جمعیتی	مهم‌ترین کدهای باز
توزیع منصفانه منابع	فضاهای سبز شهری	الگوهای مهاجرت درون شهری	
طراحی فراگیر	مدیریت پسماند شهری	تقویت هویت محله‌ای	
ارتقای دسترسی به خدمات	بازآفرینی فضاهای متروکه	گروه به حاشیه رفته قومی و جنسیتی	
تأمین عدالت اجتماعی در ابعاد فردی و اجتماعی	بهبود کیفیت زندگی شهری از طریق مشارکت	توانمندسازی جوامع محلی، پویایی‌های جمعیتی و هویت اجتماعی	کدهای محوری
مشارکت به‌عنوان کاتالیزور توسعه عادلانه شهری			کد انتخابی
مشارکت در بعد عملی منجر به توانمندسازی جوامع محلی و بهبود زیرساخت‌های شهری با تأکید بر عدالت اجتماعی و تقویت هویت محله‌ای شده است.			توضیح

تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت

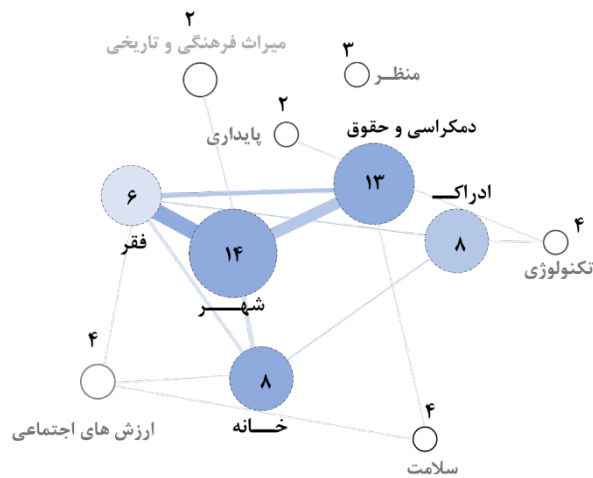
ترکیب کدها نشان می‌دهد که مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری فراتر از یک روش ساده است. یک فرایند پیچیده، خلاق و تحول‌آفرین که می‌تواند منجر به درک عمیق‌تر نیازها و خواسته‌های شهروندان و در نتیجه، خلق فضاهای شهری پویاتر و پاسخگوتر شود. این رویکرد به مشارکت، با تأکید بر تعامل با علوم انسانی و توجه به لایه‌های ذهنی مخاطبان، می‌تواند به افزایش خلاقیت و ظهور گونه‌های جدیدتر در طراحی و برنامه‌ریزی شهری منجر شود (جدول ۷).

جدول ۷. کدگذاری زیرگروه تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند

تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت			
لزوم تفکیک میان مصالحه و انعطاف	دو سویه: سازنده یا کاذب و نمایشی	بین رشته‌ای و منعطف	مهم‌ترین کدهای باز
وجوه مورد نیاز در شخصیت معمار	نیازی مهم در حوزه زیست اجتماعی	کل نگر، هم‌افزا و گشتالتی	
کل نگر، هم‌افزا و گشتالتی	زمینه تحقق دیکتاتوری یا دموکراسی	جامعه‌شناسی و روانشناسی	
و ایجاد حس مفید بودن	حق به شهر	دربردارنده تمام مقیاس‌های زندگی	
ارزش بیشتر فرایند نسبت به محصول	علوم سیاسی	ابزار فکر کردن	
ارزش‌آفرینی در افراد در طول فرایند	بستر تحقق عدالت و دموکراسی شهری	رویکرد کل‌نگر و بین‌رشته‌ای	کدهای محوری
فرایندی خلاق، متصل به علوم انسانی و تحول‌آفرین برای تفسیر و بازآفرینی ابعاد مختلف زندگی شهری			کد انتخابی
تفسیر لایه‌های ذهنی مخاطبان نیازمند تعامل با علوم انسانی است. این تعامل به افزایش خلاقیت و ظهور گونه‌های جدیدتر هنری منجر خواهد شد.			توضیح

جست‌وجوی شبکه مفهومی کلیدواژگان مقالات

در این بخش شبکه مفاهیم اساسی موجود در مقالات جست‌وجو بررسی می‌شود. تکرار کلیدواژه‌های مشابه به کار رفته در مقالات باعث به وجود آمدن یک شبکه پیوسته از مفاهیم در کنار یکدیگر شده است. مهم‌ترین مفاهیم استخراج شده براساس کلیدواژگان هر گروه را می‌توان به شکل شبکه‌ای ترسیم کرد که در شکل (۳) نمایش داده شده است. اندازه بزرگی هر دایره بیانگر میزان تکرار آن است و ضخامت خطوط نیز نمایانگر میزان هم‌تکراری مفاهیم در مقالات مختلف هستند.



شکل ۴. شبکه هم‌واژگانی کلیدواژه‌های مشارکت (اعداد بیانگر تعداد تکرار مفاهیم در حداقل دو مقاله هستند)

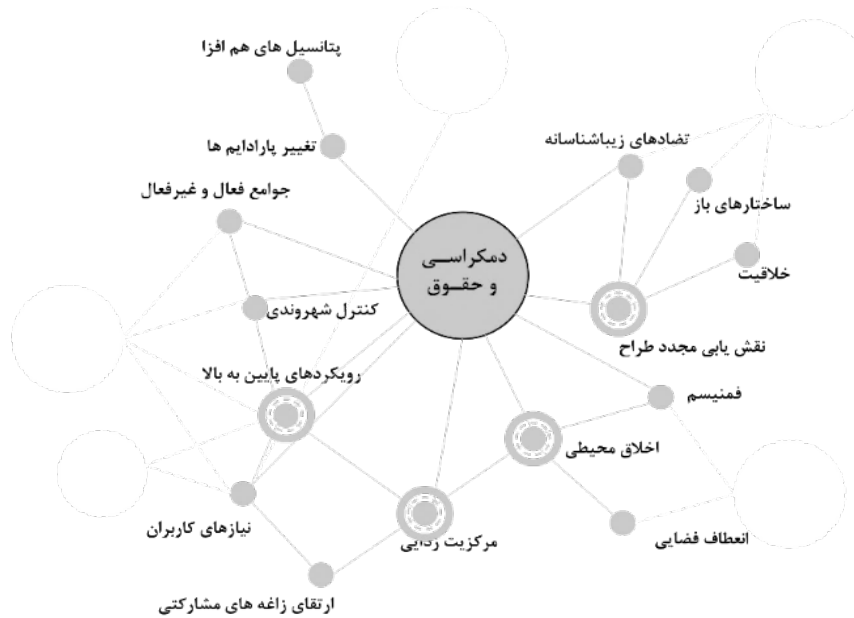
شکل (۴) نشان می‌دهد که در شبکه مفاهیم یافت شده، پرتکرارترین موضوعات که به‌عنوان یک هسته مرکزی عمل می‌کنند، شامل شهر، دموکراسی و حقوق، خانه، فقر، ادراک، تکنولوژی، ارزش‌های اجتماعی، سلامت، منظر، پایداری و میراث فرهنگی و تاریخی بوده‌اند. در این میان «شهر» با سایر موضوعات اتصال قوی‌تری برقرار کرده است. شهر به‌عنوان یک گره مرکزی، بیشترین اتصال را با مفهوم دموکراسی و حقوق شهروندی برقرار کرده است. همچنین با موضوعات خانه و فقر نیز متصل بوده و در مقالات متعددی تکرار شده است. این ارتباطات به وضوح نشان‌دهنده آن است که در نگاه مشارکتی نیز شهرها نه تنها فضاهای فیزیکی، بلکه بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز هستند که در آن‌ها مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی به هم پیوسته‌اند. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که در نقطه مقابل شهر و خصوصی‌ترین مقیاس، مفهوم خانه قرار دارد. این مفهوم به‌عنوان یک فضای خصوصی، می‌تواند تأثیر زیادی بر ادراک فردی از جامعه و مشارکت اجتماعی داشته باشد. به‌عنوان مثال، مقاله‌ای از موریس و همکاران (2022) نشان می‌دهد که «محیط خانه می‌تواند بر نحوه مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار باشد» (Morris et al., 2022).

در نتیجه معماری که در فرایندهای مشارکتی وارد می‌شود، می‌بایست درک درستی از مفاهیم موجود درون این سازه مفهومی داشته باشد. در بخش بعدی، شبکه مفهومی هر خوشه نشان داده شده است و براساس آن این تحلیل صورت پذیرفته است که معمار باید چه ویژگی‌هایی را در این زمینه دارا باشد.

خوشه دموکراسی و حقوق شهروندی

در خوشه «دموکراسی و حقوق» (شکل ۵)، مفاهیمی مانند «نقش‌یابی مجدد طراح»، «رویکردهای بالا به پایین»، «مرکزیت‌زدایی» و «اخلاق محیطی» نیاز به معماران برای پیمایش در چشم‌اندازهای اجتماعی پیچیده را نشان می‌دهد. برای اینکه معماران بتوانند به‌طور مؤثر در شیوه‌های مشارکتی درگیر شوند، باید دارای مجموعه‌ای از مهارت‌های نرم باشند که ارتباط و همکاری را تسهیل کند. همان‌طور که یمیلتپ و دمیرکان (۲۰۲۳) اشاره می‌کنند، توانایی همدلی واقعی و قرار گرفتن در موقعیت اعضای جامعه برای درک نیازها و آرزوهای آن‌ها ضروری است. همچنین، مفهوم «پتانسیل هم‌افزا» تأکید می‌کند که معماران باید محیط‌های

همکاری را پرورش دهند که پذیرای توانایی‌های سایر متخصصین باشد (Yesiltepe & Demirkan, 2023). هافمن (2018) در این مفهوم از جوامع فعالی سخن می‌گوید که می‌توانند به‌طور قابل توجهی فرایند طراحی را از طریق ورودی جمعی تقویت کنند (Hofmann, 2018). علاوه بر این، معماران باید در مدیریت تضادهای مهارت داشته باشند، به‌ویژه زمانی که به «تضادهای زیبایی‌شناسانه» در ترجیحات جامعه پرداخته می‌شود. مطالعه‌ای از ملچر (2021) نشان می‌دهد که استراتژی‌های مؤثر حل تضاد می‌تواند شامل طیفی از روش‌های هنری مختلف باشد. روش‌هایی که برای حفظ جریان رفت و برگشتی ایده‌ها بین طراح و ذی‌نفعان ضروری است (Melcher, 2016). همچنین، اهمیت «انعطاف‌پذیری در طراحی فضایی» نیاز دارد که معماران براساس بازخورد جامعه رویکردهای خود را تطبیق دهند، شریف و کاروونن (2021) تأکید می‌کنند که «یک فرایند طراحی پاسخگو به نتایج پایدارتر و پذیرفته‌شده‌تری منجر می‌شود» (Sharif & Karvonens, 2021).

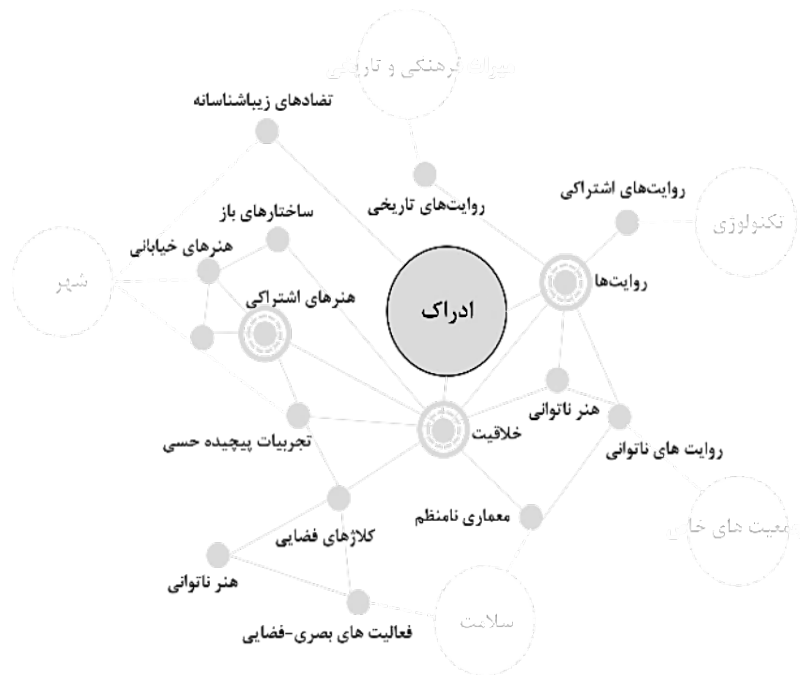


شکل ۵. شبکه کلیدواژه‌های موجود در خوشه دموکراسی و حقوق شهر

خوشه ادراک

تحلیل خوشه «ادراک» (شکل ۶) که شامل مفاهیمی چون «تفاوت ادراکی»، «هنرهای اشتراکی»، «روایت‌ها و داستان‌ها»، و «خلاقیت» است، نشان می‌دهد که اصلی‌ترین موضوع در این نگاه، درک تفاوت‌های ادراکی و شناختی است که میان معمار و کاربر وجود دارد. دلایل اینکه معماران به‌درستی نمی‌توانند نیت خود را به کاربرانشان نشان دهند، برای اولین بار از سوی هرشبرگر مطرح شد (Brawn & Gillford, 2002). پژوهش او نشان داد که بیشترین وجه تفاوت میان معماران و غیرمعماران در موضوع تفاوت ادراک در مسئله دلپذیری رخ می‌دهد. همچنین معماران باید توانایی ساخت و پیشبرد و غوطه‌وری در روایت‌های پروژه‌های مشارکتی را داشته باشند. معماران باید مهارت‌های لازم برای کار با «روایت‌های اشتراکی» و «روایت‌های تاریخی» را داشته باشند تا بتوانند به‌طور مؤثر با تجربیات پیچیده حسی موجود در لایه‌های پنهان روان اجتماعی تعامل کنند (Arnaud et al., 2017). این موضوع نشان می‌دهد که معماران باید به‌طور بالقوه مهارت «نوشتن و خواندن» را به‌طور اصولی آموخته باشند تا شکل‌های نامتعارف و به نظر نامنتظم معماری و زندگی در شهر

مانند زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی را مانند یک فریم روایی سینمایی درک کنند. شبکه کلیدواژه‌ها نشان می‌دهد که هنر مشارکتی تنها محدود به اقرار معمول جامعه نیست. مفهوم مهم «هنر ناتوانی» و «روایت‌های ناتوانی» به معماران کمک می‌کند تا به نیازهای عاطفی و زیستی مختلف کاربرانی پاسخ دهند که با چالش‌های فیزیکی و حسی متفاوتی دست و پنجه نرم می‌کنند (Boys & Partington, 2022). معماری که توانایی ساخت روایت را داشته باشد، باید آگاه باشد که بخش مهمی از روایت‌های زندگی انسانی در محیط‌های اجتماعی رقم می‌خورد. در نتیجه او باید به اهمیت «ساختارهای باز» و تعامل با «هنرهای خیابانی» واقف باشد تا در پروژه‌های مشارکتی به‌طور خلاقانه و انعطاف‌پذیر عمل کرده و طراحی‌هایی را ارائه کند که به‌طور گسترده‌تر و عمیق‌تری به تجربه‌های انسانی پاسخ دهد (Seve et al., 2021).

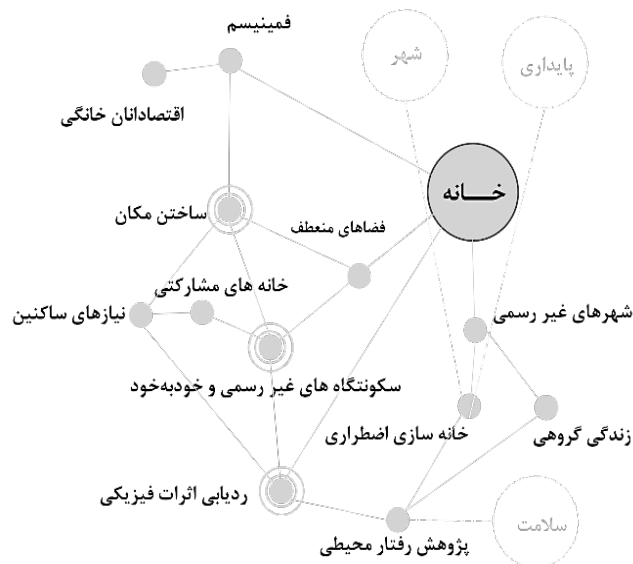


شکل ۶. شبکه کلیدواژه‌های خوشه ادراک

خوشه خانه

مفهوم خانه (شکل ۷) فراتر از یک فضای فیزیکی است و به‌عنوان نمادی از هویت، تعلق و امنیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. در طراحی مشارکتی، این مفهوم به‌ویژه در زمینه‌های سکونتگاه‌های غیررسمی و فضاهای منعطف اهمیت می‌یابد. معماران باید به جنبه‌های عاطفی و اجتماعی خانه توجه کنند و این موضوع مستلزم رعایت اصول انعطاف‌پذیری فضایی است. این فضاها باید بتوانند به تغییرات و نیازهای مختلف کاربران پاسخ دهند. طراحی‌های مشارکتی که براساس انعطاف‌پذیری و قابلیت تطبیق با نیازهای متغیر کاربر طراحی شده‌اند، می‌توانند به بهبود تعاملات ساکنین خانه و ایجاد فضاهایی با کاربری‌های متنوع اما با هویت و رنگ و بوی شخصی کمک کنند. به شکل کلی ساختن مکان باید با درک عمیقی از مسئله حس مکان‌ها همراه باشد. معمار برای داشتن چنین درکی نیازمند توجه به معانی عمیق‌تر سکونت است تا بتواند مکان‌هایی با هویت و معنا را تصور و طراحی کند. پژوهشگران معتقد هستند تنها طراحی خانه‌ای می‌تواند مؤثر واقع شود که حس تعلق به تک‌تک اجزای خانه را هم در معمار و هم در کاربر برانگیخته کند (Pérez-

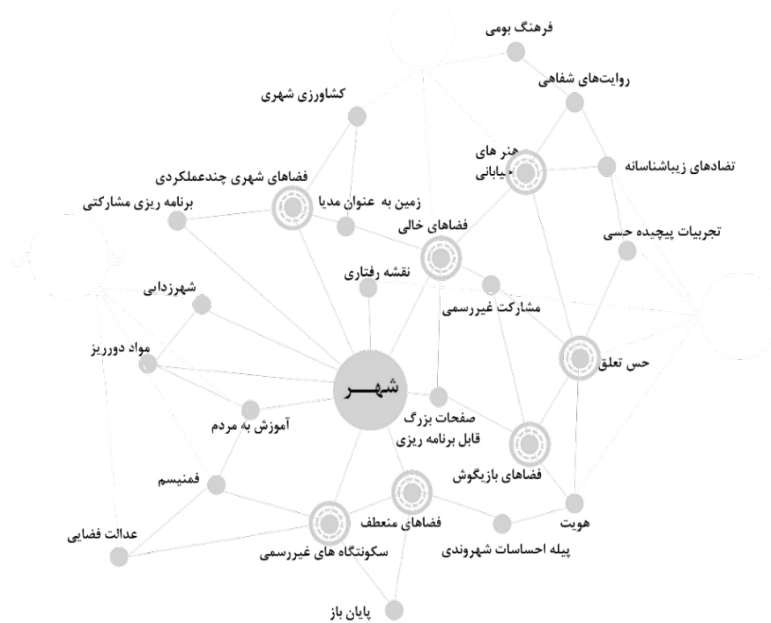
(Gómez, 2015). این موضوع نیز مانند خوشه ادراک، نه تنها در خانه‌های رسمی بلکه در سکونتگاه‌های خود به خود و زاغه‌ها نیز نمود دارد. در نتیجه معمار باید توانایی درک حس قضای تمام گونه‌های سکونتی را دارا باشد. موضوع خانه به شکل عمیقی به جنسیت و فمینیسم نیز مرتبط می‌شود. فمینیسم در زمینه طراحی خانه‌های مشارکتی به تأکید بر نیازهای خاص زنان و گروه‌های تحت فشار اجتماعی مربوط می‌شود. فمینیست‌ها بر اهمیت طراحی فضاهایی که به چالش‌های جنسیتی پاسخ می‌دهند و به ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان کمک می‌کنند، تأکید می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که طراحی خانه‌های مشارکتی با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان و فضاهای حمایتی می‌تواند به ارتقای برابری جنسیتی و افزایش کیفیت زندگی زنان کمک کند (Myjak-Pycia, 2021). در نتیجه معمار مشارکتی باید توانایی ارتباط با گروه‌های مختلف جنسیتی را دارا بوده و دچار انزوای جنسیتی نباشد. بررسی این موضوعات در محیط خانه نیازمند انجام پژوهش‌های رفتار-محیطی است که می‌تواند به وسیله ردیابی اثرات فیزیکی ساکنین و استفاده از نقشه‌های حرکتی و تفسیر آن‌ها انجام شود.



شکل ۷. شبکه کلیدواژه‌های خوشه خانه

خوشه شهر

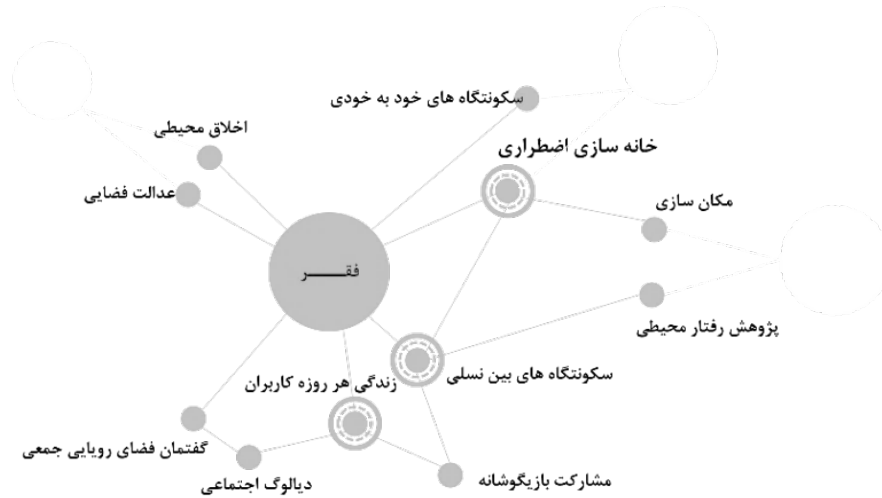
مفهوم مهمی در خوشه شهر (شکل ۸) تحت عنوان پیله احساسات شهروندی وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباط عمیق بین طراحی‌های شهری و تجربیات عاطفی شهروندان است. معماری که به دنبال مشارکت است باید با جنبه‌های روایی و عاطفی شهر و محله ارتباط عمیقی داشته باشد. او باید بتواند روایت‌های عاطفی شهروندان از فضاهای یادمانی شهر را استخراج کند. در اینجا اهمیت درک مفهوم زمین به عنوان یک واسطه خود را نشان می‌دهد. زمین برای معمار مشارکتی یک واسطه جهت اتصال با خاطرات شهری است در نتیجه او باید در شناخت، تحلیل و به‌کارگیری فضاهای بزرگ و چند عملکردی شهری زبردست باشد. در چنین وضعیتی معمار می‌تواند داستان‌های شهری بی‌پایانی را خلق کند. این داستان‌ها باید فضاهای بازگوشی را خلق کنند که می‌توانند سرزندگی را به شهروندان و حافظه را به شهر تزریق کنند (Behrens, 2017).



شکل ۸. شبکه کلیدواژه‌های خوشه شهر

خوشه فقر

در خوشه فقر (شکل ۹) مفهومی از جنس گفت‌وگو و رویا با زندگی هر روزه مردم متصل می‌شود که گفت‌وگوی فضای رویایی است. گفتمان فضای رویایی جمعی به ساکنان این امکان را می‌دهد که آرزوها و نیازهای خود را به اشتراک بگذارند و در نتیجه، حس تعلق و هویت مشترک میان تمام افراد جامعه را شکل دهند. معمار مشارکتی در این گفت‌وگو، باید توانایی عمل کردن به عنوان پلی را داشته باشد که میان طبقات آسیب دیده و محروم و طبقات دیگر جامعه عمل می‌کند و ابزار واسطه‌گری او نیز، مفهوم فضا و سکونت است (Nguyen & Dang, 2020). گفتمان فضای رویایی جمعی می‌تواند به عنوان یک پلتفرم برای بیان نگرانی‌ها و آرزوهای ساکنان عمل کند و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به طور جمعی برای تغییرات مثبت تلاش کنند (Hofmann, 2018). این فرایند نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد جوامع پایدارتر منجر می‌شود.



شکل ۹. شبکه کلیدواژه‌های خوشه فقر

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف درک بهتر مهارت‌های شناختی مورد نیاز معماران برای ورود به فرایندهای مشارکتی انجام شده و از روش مطالعه مروری سیستماتیک، کدگذاری و مطالعات بیبلیومتریک (ساخت نقشه‌های هم‌رخدادی کلیدواژگانی) بهره برده است. پژوهش حاضر، مطالعات انجام گرفته از سال ۲۰۱۰ تا کنون را که این موضوع را دنبال کرده‌اند، مورد بررسی قرار داده و براساس آن می‌توان به سه سؤال پژوهش پاسخ داد:

سؤال اول به دنبال دسته‌بندی و قیاس حوزه‌های مطالعاتی پژوهش‌های معطوف به توانایی‌های شناختی معماران بود. بر این اساس و طبق نتایج حاصل از جدول (۱) و شکل (۴) حوزه‌های مطالعاتی شامل دو نوع کلی مشارکت با مردم و مشارکت با متخصصین و شش حوزه مفاهیم انتقادی (شامل نقد میان فرهنگی و پسا استعماری، جوامع به حاشیه زانده شده، قدرت، اخلاق و ارزش‌ها)، معیارهای فرهنگی (شامل ملاحظات اقتصادی-فرهنگی، تأثیرات محیطی و جغرافیایی، هویت ساکنین)، ابزارهای مشارکت (شامل کارگاه‌های مشارکتی، پلنفرم‌های مشارکت دیجیتال، مدل‌سازی و تجسم)، آموزش شیوه‌های مشارکت (شامل آموزش مشارکت با مردم، آموزش مشارکت با متخصصین، توسعه برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها)، نمونه‌های موردی و تجربیات عملی (شامل پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری، طراحی فضاهای عمومی و باز، مطالعات جمعیت‌شناسی، نوآوری‌های مشارکتی) و تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند مشارکت (شامل تحلیل استراتژی‌های مشارکت، شرح فرایند مشارکت، مشارکت از منظر تاریخی) است.

در این زمینه با توجه به فراوانی بررسی شده، نتایج نشان داد که مقالات مشارکت با مردم سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از میان شش حوزه شناسایی شده در بحث مشارکت، تنها درحوزه سوم یعنی آموزش شیوه‌های مشارکت، تعداد پژوهش‌ها مرتبط با مشارکت با متخصصان بیشتر بود و مقالات در پنج حوزه دیگر یعنی ۱. روش‌شناسی و فرایند مشارکت، ۲. نمونه‌های موردی و تجربیات عملی، ۴. ابزارهای مشارکت، ۵. معیارهای فرهنگی و ۶. مفاهیم انتقادی، بیشتر بر مشارکت با مردم متمرکز بودند. همچنین لازم به ذکر است از میان شش حوزه شناسایی شده، حوزه اول (روش‌شناسی و فرایند مشارکت) بیشترین تعداد مقالات و حوزه چهارم (ابزارهای مشارکت) کمترین تعداد مقالات را به خود اختصاص داده است.

سؤال دوم پژوهش، اصلی‌ترین مقولات و مفاهیم معماری مشارکتی در هر گروه را بررسی می‌کرد تا تعریفی دیگر از معماری مشارکتی به دست دهد. بر این اساس و طبق جداول (۲ تا ۷) کدهای انتخابی زیر از هر گروه حاصل شد.

- گروه مفاهیم انتقادی: ناظر بر تفسیری انتقادی با هدف تعالی بصری-اخلاقی در تقابل با تهدید آزادی و خیال انسان
- گروه معیارهای فرهنگی: رویدادی روایت‌محور برای تعریف فرهنگی خود و دیگری: دیالکتیک بومی‌گرایی و تعاملات بین فرهنگی
- گروه ابزارهای مشارکت: معماری مشارکتی، واسطه‌گفتمان فضایی-اجتماعی و ابزار تولید داستان‌های تجربی، ترکیبی شده
- گروه آموزش مشارکت: آموزش به مثابه گفتمان چندفرهنگی: رویکردی همیارانه و پدیدارشناسانه برای پرورش طراحان میانجی
- گروه نمونه‌های عملی: مشارکت به‌عنوان کاتالیزور توسعه عادلانه شهری
- گروه تمرکز بر روش‌شناسی و فرایند: فرایندی خلاق، متصل به علوم انسانی و تحول‌آفرین برای تفسیر و بازآفرینی ابعاد مختلف زندگی شهری

در نتیجه با اتصال کدهای انتخابی فوق، می‌توان تعریف مشارکت را این‌گونه بیان کرد:

«مشارکت، پدیداری داستانی و مرکزستیز از تلاش انسان برای تعالی بصری-اخلاقی با تکیه بر تفسیرهای انتقادی است. این فرایند، از تعاملات و تقابلات بین فرهنگی برای تولید تجربه‌های جدید و توسعه عادلانه شهری استفاده می‌کند. مشارکت، با اتصال به علوم انسانی، به بازآفرینی زندگی شهری و تقویت تعاملات اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند و فضاهایی را ایجاد می‌کند که به نیازها و آرزوهای جمعی پاسخ می‌دهند.»

این کدها نشان می‌دهند که معماری مشارکتی را می‌توان در تعریفی فشرده، گفت‌وگویی روایت‌محور میان شهروندان برای خلق داستانی جدید در نظر گرفت در این تعریف، محور مهم «روایت مرکزگرای» وجود دارد. در نتیجه برای پاسخ به سؤال سوم، مفاهیم به دست آمده از تحلیل کلیدواژه‌ها، با توجه به این محور تفسیر می‌شوند.

سؤال سوم مربوط مهارت‌های شناختی مورد نیاز معماران براساس ساخت و تحلیل شبکه مفهومی موضوع بود. شبکه مفهومی (شکل ۳) نشان داد مجموعه‌ای از مفاهیم شامل شهر، دموکراسی و حقوق، خانه، فقر، ادراک، تکنولوژی، ارزش‌های اجتماعی، سلامت، منظر، پایداری و میراث فرهنگی و تاریخی مفاهیم اصلی و پرتکرار مقالات این حوزه را شکل داده‌اند که در این میان مفهوم «شهر» نقش بسیار پررنگی را ایفا می‌کند. در نتیجه بایستی برای کشف مهم‌ترین الزامات شناختی مشارکت برای معماران، به درون گره‌های این شبکه رفت.

نتایج حاصل از مطالعه و تجزیه و تحلیل گره‌های این شبکه نشان داد که یک معمار برای ورود به فرایندهای مشارکتی باید در زمینه هرکدام از مفاهیم بیان شده، ویژگی‌هایی را داشته باشد (مراجعه شود به بخش‌های ۵-۳ تا ۵-۵). این ویژگی‌ها را می‌توان در چارچوب تعریف و محور به دست آمده در این پژوهش (یعنی روایت مرکزگرای) قرار داد و در نهایت الزامات شناختی معمار مشارکتی را به شرح زیر بیان کرد:

در روایت پدیدارشناسانه مشارکت، معمار مشارکتی باید توانایی ساخت داستان‌هایی در زمینه مفاهیم شهر و خانه را داشته باشد. همچنین داستان‌های ساخته شده باید بر رویکردهای انتقادی و مرکزگرای تمرکز داشته باشند. در نتیجه روایت‌های مشارکتی و نویسندگان آن‌ها، یعنی معماران مشارکتی روایت‌پرداز، باید در زمینه مفاهیم دموکراسی، ادراک و فقر نیز ویژگی‌هایی را داشته باشند. ویژگی‌هایی که در ادامه ذکر می‌شوند:

- در زمینه مفهوم شهر

- به دنبال کشف، خوانش، بازخوانی و به‌کارگیری جنبه‌های روایی و عاطفی یک شهر و ورود به پیله عاطفی شهروندان هستند.
- شهر را به عنوان محفل پیچیده‌ای از داستان‌های متضاد فرهنگی می‌نگرند.
- از زمین، و به بیان بهتر «مفهوم زمین» به عنوان یک واسطه برای اتصال به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی شهروندان استفاده می‌کنند.
- فضاهای خالی را عناصری چندعملکردی، منعطف و با پایان باز در نظر می‌گیرند.

- در زمینه مفهوم خانه

- به موضوعات جنسیتی و جنسیت فضاها و عملکردهای معنادار فضاهای سکونتی حساس هستند.
- توانایی ردیابی اثرات فیزیکی ساکنین و تفسیر معنادار آن‌ها را دارند.
- توانایی درک معنای مکان در تمام سکونتگاه‌های غیررسمی شامل زاغه‌ها و ... را دارند.

- در زمینه مفهوم دموکراسی و حقوق

- به مسئله حقوق شهروندی و برابری نژادی، جنسیتی و ... باور درونی دارند.

- قابلیت حل تضادهای بین نسلی و انطباق پذیری با شرایط جدید را دارند.
- بدون حذف تفاوت‌های معنادار، تسهیل‌گر گفت‌وگوهای متضاد فرهنگی و اجتماعی هستند.
- توانایی مرکزیت‌زدایی از مفاهیم صلب و تقدیس‌زدایی از جریان‌های تثبیت شده را دارند.

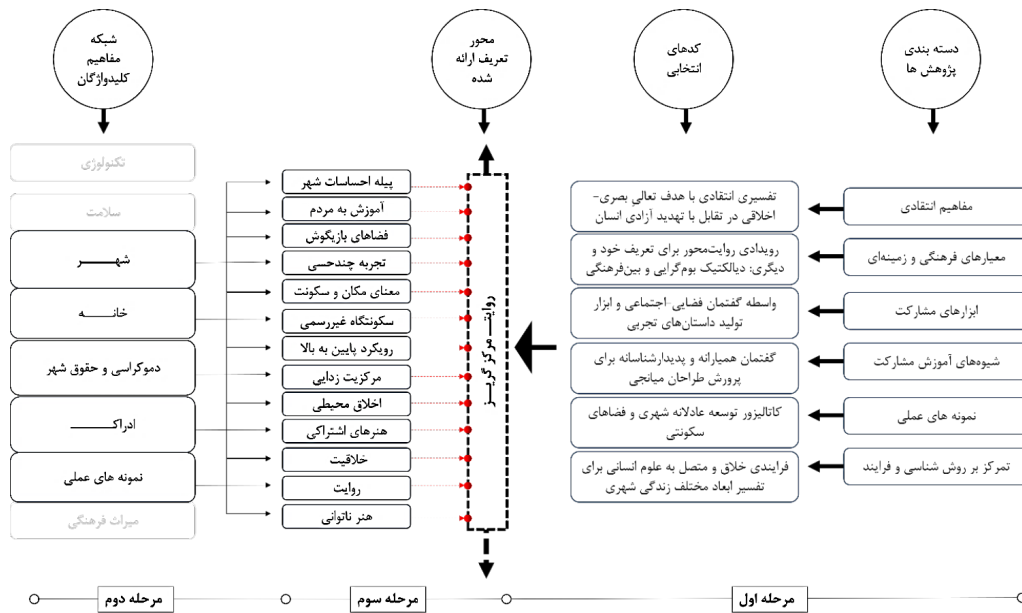
- در زمینه مفهوم ادراک

- توانایی فهم اسطوره‌ها و افسانه‌ها و روایت‌های اشتراکی و تاریخی و مفاهیم بینا متنی در زمینه‌های اجتماعی را دارند.
- توانایی اتصال به لایه‌های پنهان روان اجتماعی و کسب تجربه شخصی از تجربیات پیچیده حسی را دارند.
- به اهمیت ساختارهای باز و مفهوم ناتمامی در زمینه هنرهای اجتماعی و شهری واقف هستند.
- قابلیت ترجمه تجربیات چندحسی ساکنان به طرح‌های معماری و شهری را دارند.
- توانایی درک شیوه‌های متنوع ادراک محیطی و تجربه فضایی در میان گروه‌های مختلف را دارند.

- در زمینه مفهوم فقر و محرومیت

- امکان ایجاد و امتداد گفت‌وگوهای فضایی-روایی با اقشار فرودست (یعنی واسطه قرار دادن فضا برای تعامل به هدف نزدیک شدن به عدالت اجتماعی).
- توانایی اتصال به روایت‌های مربوط به هنر ناتوانی و نیازهای عاطفی کاربران ناپدید شده انگاشته شده را دارند.

در نتیجه می‌توان گفت که در این فرایند که رویدادی مرکزگرای است، معمار مشارکتی باید نسبت به ورود به فرایندی تفسیری و چندسویه آگاه باشد. فرایندی که به دلیل ذات انتقادی می‌تواند منجر به نقض مکرر آرا، دانسته‌ها و عقاید او در تمام مراحل شود. در نتیجه او باید بتواند که با بررسی دائم میزان پذیرش مخالفت در خود و فرایند طراحی شده‌اش، از قرار گرفتن خود در جایگاه سنتی معمار غیرمشارکتی جلوگیری کند. همچنین زمانی که از رویداد بودن این فرایند صحبت می‌شود، یعنی معمار باید اهمیت مؤلفه‌های روایت‌بودگی را بداند. او باید بداند که هر خواسته کاربر یا کارفرمایان، را می‌توان مانند روایتی جدید در نظر گرفت که قرار است رویدادی منحصربه‌فرد را خلق کند. رویدادپنداری فرایند مشارکت باعث می‌شود که معمار به چک لیست‌های ازپیش طراحی شده یا روش‌های مشارکتی مرسوم اکتفا نکند. او باید به مبانی تفسیر و روایت تسلط داشته باشد. او باید بتواند روایت‌ها را کشف کرده و از لابه‌لای آن‌ها معانی عمیقی را کشف کند. در نتیجه باید گفت که توانایی شناخت اجزای روایت و نحوه تفسیر آن در فرایند مشارکت اهمیت زیادی دارد. شکل (۹) جمع‌بندی از گام‌های انجام شده در این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۹. جمع بندی گام های انجام پژوهش

پی نوشت ها

۱. معیارهای ورود به فرایند بررسی، وجود روش تحقیق مشخص و علمی، ثبت شدن به عنوان مقاله، متناسب بودن یافته‌ها با اهداف پژوهش حاضر، چاپ در نشریات معتبر داخلی ISC و بین المللی (ISI) Institute for Scientific Information و انتشار به زبان انگلیسی بودند. در نتیجه نوشته شدن مقاله به زبان‌های دیگر، عناوین تکراری و موارد با روش تحقیق نامشخص (یا ثبت نشده) معیارهای خروج بودند.

منابع

- اسماعیل زاده، معصومه و سلیمانی، بهزاد (۱۴۰۲). شناسایی اصول اجرایی در طراحی مشارکتی. نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۸(۲)، ۱۲۲-۱۱۱.
- بیٹی، حامد، چهاردولی، ابوالفضل و آریان، جاوید (۱۴۰۲). جایگاه مشارکتی کاربر در فرایند طراحی فضاهای مسکونی. نشریه برنامه‌ریزی فضایی، ۴۸(۱)، ۶۹-۵۷.
- به نیا، بهنام، خیراللهی، مهران، صحراگرد، مهدی و سلطانی فر، عاطفه (۱۳۹۹). آموزه‌های مشارکت کودکان در فرایند طراحی معماری فضاهای دوستدار کودک (مطالعه موردی: فضاهای درمانی شهر بجنورد). اندیشه معماری، ۷(۴)، ۵۸-۷۷.
- پوراحمد، احمد، حبیبی، لیلا و جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۱). تحلیل نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی. باغ نظر، ۲۰(۲۱)، ۱۳-۲۰.
- ثقفی، محمودرضا، مظفر، فرهنگ و موسوی، سید محسن (۱۳۹۴). بررسی تأثیر روش آموزش مشارکت مستقیم استاد و دانشجو بر فرایند یادگیری در درس مقدمات طراحی معماری. نشریه علمی مرمت و معماری ایران، ۵(۱۰)، ۷۹-۹۰.
- حبیبی، سید محسن و فروغی فر، مهران (۱۳۹۲). یافتن راهکارهایی برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های مرمت شهری بر پایه نظریه بازی. هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۱۸(۴)، ۵-۱۴.
- دیناروند، عبدالرحمان، ندیمی، حمید و علایی، علی (۱۳۹۶). پرورش نواموزان معماری، با بهره‌گیری از رویکرد یادگیری مشارکتی همیارانه. صفا، ۲۷(۷۹)، ۱۸-۵.
- زارع جعفر، مینا، یوسفی تذکر، مسعود، رنجبر کرمانی، محمد و یعقوبی، معصومه (۱۴۰۲). ارزیابی کارآمدی روش مشارکتی در آموزش طراحی معماری (نمونه مورد مطالعه: درس طراحی معماری سه دانشگاه آزاد اردبیل). نشریه معمار شهر، ۶(۲)، ۴۰-۶۴.

- سلیمانی الموتی، مهتاب، طالبیان، الهام و دژدار، امید (۱۳۹۹). نقش مشارکت جمعی دانشجویان در فرایند کارگاه طراحی معماری. فصلنامه معماری شناسی، ۸(۳)، ۵۸-۷۹.
- شرفی، مرجان و برک‌پور، ناصر (۱۳۸۹). گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت. نامه معماری و شهرسازی، ۴، ۷۷-۱۰۲.
- شهاب‌زاده، مرجان (۱۳۹۴). به کارگیری هنرهای ترسیمی کودکان و نوجوانان به عنوان روش مشارکتی در طراحی محیط‌های بهتر. صفحه، ۲۵(۶۸)، ۶۰-۴۷.
- طلایی، مرضیه و کاتب، مرتضی (۱۳۹۹). آموزش هنر جامعه محور: پدیدار شناسی چالش‌های آموزش هنر مبتنی بر هنرهای جوامع محلی (مورد مطالعه: عروسک‌های آیینی). مبنای نظری هنرهای تجسمی، ۹، ۷۸-۹۰.
- عزیززی، محمد مهدی و پیرکار، رضا (۱۴۰۲). نقش فضاهای عمومی درون محله‌ای در ارتقای مشارکت اجتماعی مطالعه موردی: محله کوی نصر تهران. صفحه، ۳۳(۳)، ۷۹-۹۸.
- علی‌الحسابی، مهران و یوسف زمانی، مهرداد (۱۳۸۹). فرایند طراحی معماری تعامل میان طراح و بهره‌بردار. معماری و شهرسازی، ۲(۴۳)، ۴۲-۳۱.
- قره‌بگلو، مینو، توکلی، بهروز، بلالی اسکویی، آرزیتا و سینمار اصل، رعنا (۱۳۹۷). مفهوم مشارکت در محیط از منظر اندیشه اسلامی و اندیشه غربی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۶(۱)، ۶۸-۴۳.
- کامل‌نیا، حامد و اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۳). معماری جمعی: از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلستانی، نفیسه، خاک‌زند، مهدی، فیضی، محسن و کریمی، باقر (۱۳۹۹). تبیین ارتباط دوسویه ادراک منظر و مشارکت در فرایند توسعه منظر مشارکتی. باغ نظر، ۱۱۷(۹۰)، ۳۵-۵۴.
- لاوسون، برایان (۱۳۹۳). طراحان چگونه می‌اندیشند؟ (مترجم: حمید ندیمی). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لعل‌بخش، عترت و قبادیان، وحید (۱۴۰۰). پداگوژی طراحی مشارکتی در ایران. تهران: انتشارات اول و آخر.
- مجیدی، مریم، منصور، سید امیر، صابرزاد، ژاله و براتی، ناصر (۱۴۰۰). ظرفیت‌های منظر در تحقق مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری. نشریه منظر، ۱۳(۵۴)، ۱۸-۲۷.
- مرتضوی، احمد، انصاری، حمیدرضا، و علی‌پور، لیلا (۱۴۰۳). آماده انتشار. معماری و مشارکت: مرور مضامین و چشم‌اندازهای در حال ظهور. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر.
- مظفر، فرهنگ، خاکزند، مهدی، چنگیز، فهیمه، و فرشادفر، لیلا (۱۳۹۴). معماری گروهی حلقه مفقوده در آموزش طراحی معماری. فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، ۱۰(۴)، ۳۳۷-۳۴۹.
- منصور، سید امیر و فروغی، مهرداد (۱۳۹۷). مفهوم طراحی مشارکتی منظر. نشریه باغ نظر، ۱۵(۶۲)، ۱۷-۲۴.
- نوروزی، سودا و جوان‌فروزنده، علی (۱۳۹۸). تحلیل سوبیه‌های مفهوم مشارکت در فرایند طراحی فضاهای عمومی. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۰(۲۸)، ۶۲-۴۹.
- Akinciturk, N., Erbil, Y., & Yücel, C. (2011). Cooperative learning in an architectural design studio. *Uludağ Üniversitesi Mühendislik Fakültesi Dergisi*, 16(2), 35-43.
- Alipour, L. (2021). The perception of students' pre-sketching by architecture educators. *International Journal of Education Through Art*, 17(3), 389-406.
- Anderson, J. R. (2005). *Cognitive psychology and its implications*. Macmillan.
- Behrens, M. "Sentiment Architectures as Vehicles for Participation." [In English]. Article. *Architectural Design* 87, no. 1 (2017): 98-103.
- Boys, J., & Partington, Z. (2022). Abandoned in the archives? Collaborating with disabled people towards more inclusive spaces. *Journal of Museum Education*, 47(4), 442-458.
- Brawn, M., & Gifford, B. (2002). *Architectural thought: The design process and the expectant eye*. Architectural Press.
- Berkovich Dodig, M., & Chiles, P. (2016). 'Spector - The sustainability inspector': Participatory teaching, learning, and evaluation game for architects, architecture students, and pupils. *Facta Universitatis, Series: Architecture and Civil Engineering*.

- Carrera, J. A., & Grajales, M. O. (2022). Collaborative processes in architecture as tools for social transformation in the face of patriarchal and colonial structures. *Journal of Environmental Psychology*, 22(3), 9–21.
- Chavarría Arnau, A., Benetti, F., Giannetti, F., & Santacesaria, V. (2017). Building participatory digital narratives about medieval Padua and its territory. *European Journal of Post-Classical Archaeologies*, 7, 265-291. Retrieved from <https://www.scopus.com/inward/record.uri?eid=2-s2.0-85031750402&partnerID=40&md5=f3abacffcd6c4efe49d4fc0a1deb8189>
- Combrinck, C., & Porter, C. J. (2021). Co-design in the architectural process. *Archnet-IJAR*, 15(3), 738-751.
- Denicke-Polcher, S., & Donnellan, C. (2022). Reactivating underpopulated areas through participatory architecture in southern Italy by creating a home for newcomers. *Architecture_MPS*, 21 (1), 1-13.
- Hofmann, S. (2018). Participative architecture: The way to more environmental justice. *Architectural Design*, 88(5), 116-121. <https://doi.org/10.1002/ad.2352>.
- Julier, G. (2006). From visual culture to design culture. *Design Issues*, 22(3), 64-76.
- Kaminer, T. (2014). The contradictions of participatory architecture and empire. *Architectural Research Quarterly*, 18(1), 31-37.
- Luck, R. (2018). Participatory design in architectural practice: Changing practices in future-making in uncertain times. *Design Studies Journal*, 59, 139-157.
- Mariotti, J., McGrath, T., Kwasny, J., Cox, S. F., Alengaram, U. J., Darvish, P., & Soutsos, M. (2023). Connecting citizens through participatory design activities: Lessons from Kuala Lumpur, Malaysia. *The Design Journal*, 26(4), 624–640.
- McGillivray, D., Guillard, S., Ross, G., & McCaughey, P. (2023). Participatory design practice, event(s) and the activation of public space. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 1–18.
- Melcher, K. (2016). Many voices, one project: Participation and aesthetics in community-built practices. *Plan Journal*, 1(2), 351-366.
- Menzel, K., Hartkopf, V., & Ilal, E. (2014). Collaborative learning and design in architecture, engineering, and construction. In *Collaborative Design and Learning: Competence Building for Innovation*. Westport, CT: Praeger Publishers.
- Morris, J., Smith, A., & Johnson, L. (2022). Engaging communities: A study of participatory approaches in urban planning. *Journal of Urban Design and Planning*, 29(4), 345-367.
- Myjak-Pycia, A. (2021). Forgoing the architect's vision: American home economists as pioneers of participatory design, 1930–60. *Arq: Architectural Research Quarterly*, 25(1), 17-30.
- Nguyen, N. T. H., & Dang, H. T. (2020). Adaptation of “participatory method” in design “for/with/by” the poor community in Tam Thanh, Quang Nam, Vietnam. *Smart and Sustainable Built Environment*, 9(3), 272-282.
- Ortiz, C. (2013). Community-based art. *Art Education Case Studies*, 4.
- Pelander, T., & Leino-Kilpi, H. (2010). Children's best and worst experiences during hospitalization. *Scandinavian Journal of Caring Sciences*, 24(4), 726-733.
- Pérez-Gómez, A. (2015). Architecture, art of belonging. *FAMagazine*, 6(1), 1-10.
- Pressman, A. (2014). *Designing relationships: The art of collaboration in architecture*. St. Martin's Press.
- Rodgers, M., Marques, B., & McIntosh, J. (2020). Connecting Māori youth and landscape architecture students through participatory design. *Architecture and Culture*, 8(2), 309-327.

- Sabiescu, A., & Memarovic, N. (2013). Participatory design for cultural representation: A cultural transparency perspective. In *Human-Computer Interaction – INTERACT 2013* (611-618). Springer Berlin – Heidelberg.
- Sanders, E., & Brandt, E. (2010). A framework for organizing the tools and techniques of participatory design. *ACM International Conference Proceeding Series*.
- Sanders, E., & Stappers, P. (2008). Co-creation and the new landscapes of design. *CoDesign*, 4(1), 5-18.
- Sara, R., & Jones, M. (2018). The university as an agent of change in the city: Co-creation of live community architecture. *International Journal of Architectural Research*, 12(1), 326-337.
- Seve, B., Martinez, Z. M., Sega, R., & Dominguez, E. R. (2021). The city, that collective work of art: Tools for graphic expression and participatory creation in urban spaces. *EGA-Revista de Expresion Grafica Arquitectonica*, 26(41), 230-241.
- Sharif, A. A., & Karvonen, A. (2021). Supporting, tinkering, adjusting and resisting: A typology of user translations of the built environment. *Open House International*, 46(2), 266-280. <https://doi.org/10.1108/ohi-10-2020-0151>.
- Soikkeli, A., Santamäki, E., & Hynninen, O. (2023). Challenges of participatory design in apartment buildings' renovation projects in Finland. *Journal of Housing and the Built Environment*, 38, 1889-1905.
- Steen, M. (2013). Co-design as a process of joint inquiry and imagination. *Design Issues*, 29(2), 16-28.
- Stierli, M., & Widrich, M. (2015). *Participation in art and architecture: Spaces of interaction and occupation*. I.B. Tauris.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage Publications.
- Vasarainen, M., Vetoshkina, L., & Paavola, S. (2024). From virtual reality to virtual safaris: New forms of participatory design in an architectural design project. *CoDesign*, 1-18.
- Yesiltepe, M., & Demirkan, H. (2023). Reflection of empathic design process on interior architecture students' universal design solutions. *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 40(1), 59-82. <https://doi.org/10.4305/metu.jfa.2023.1.3>.
- Zhao, D., & Strotmann, A. (2015). *Analysis and visualization of citation and co-citation networks*. *Synthesis Lectures on Information Concepts, Retrieval, and Services*, 7(1), 1-207.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
مرتضوی، احمد؛ انصاری، حمیدرضا و علی پور، لیلا (۱۴۰۴). مهارت‌های شناختی معماران در خلق روایت‌های مشارکتی. *فصلنامه علمی نامه معماری و شهرسازی*، ۱۷(۴۶)، ۷۲-۹۶.

DOI: 10.30480/AUP.2025.5290.2139

URL: https://aup.journal.art.ac.ir/article_1392.html